



|| شماره ۷ || سال سوم || بهار ۱۳۹۸ ||

نیایشگاه صخره‌ای روستای قشلاق مراغه؛ معبدی بودایی-مسیحی یا مسجدی اسلامی؟

I سعید ستارنژاد^۱

II اسماعیل معروفی‌اقدم^{II}

III مهدی حسنلو^{III}

(صص: ۱۹۱ - ۱۷۷)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۷

چکیده

پس از کشف نیایشگاه‌های صخره‌ای ایران در چند دهه اخیر، ماهیت این آثار همواره مورد بحث بوده است. ردپای بسیار کم‌رنگ و مبهمی از عصر پدید آمدن این آثار به جای مانده که امکان گاه‌نگاری و کاربری دقیق و مطلق را برای پژوهشگران و علاقه‌مندان آثار صخره‌ای دشوار کرده است. از سویی دیگر، ماهیت صخره‌ای و غار بودن این محل‌ها بیشتر پژوهشگران را بر آن داشته که آن را به آیین مهرپرستی نسبت دهند؛ و این در حالی است که هیچ شواهدی از آیین مهرپرستی در این فضاها و قدسی کشف و شناسایی نشده است. نیایشگاه‌های صخره‌ای از جمله آثار ارزشمند معماری ایرانی هستند که در یک بازه زمانی طولانی شکل گرفته‌اند و به دلیل تداوم سنت‌ها یا کنده‌بودن روند تحول، تاریخ‌گذاری دقیق آن‌ها کاری دشوار است. از جمله آن‌ها، نیایشگاه صخره‌ای «کوه‌لوم‌چید» در شهرستان مراغه (آذربایجان شرقی) است که تاکنون مطالعات منسجم و خاصی پیرامون آن انجام نشده است. با این تفاسیر، انجام این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به دو پرسش بنیادی در رابطه با فضای دست‌کنند صخره‌ای کوه‌لوم‌چید است: (۱). گاه‌نگاری نسبی و زمان شکل‌گیری فضای دست‌کنند چه بوده است؟ (۲). ماهیت نیایشگاه دست‌کنند متعلق به کدام گروه‌های مذهبی است؟ فرضیه‌های مطرح‌شده در راستای پرسش‌های فوق عبارت‌اند از: کاربری به‌عنوان یکی از فضاها آیینی-مذهبی پیروان ادیان غیراسلامی ساکن مراغه دوره ایلخانی به‌خصوص بودایی‌ها و زمان ایجاد آن براساس مبانی گاه‌نگاری نسبی که به صورت تطبیقی انجام می‌گیرد، مربوط به دوره ایلخانی است. شواهد این ادعا در نیایشگاه دست‌کنند صخره‌ای کوه‌لوم‌چید وجود دارد که در راستای انجام پژوهش بررسی شده است. این پژوهش در پی آن است که ضمن بررسی این نیایشگاه، از طریق مطالعه تطبیقی و بررسی برخی جزئیات، تاریخ و کارکرد قابل قبول‌تری برای این نیایشگاه ارائه دهد. هرچند که پژوهش‌های ژرف و دقیق به گمانه‌زنی‌های باستان‌شناختی و علمی نیاز دارد، با این حال باتوجه به مدارک موجود و براساس پژوهش حاضر، این ساختار صخره‌ای در دوره ایلخانی ایجاد شده و ماهیت کاربری آن، نیایشگاه مذهبی برای ادیان غیراسلامی از جمله بودایی و مسیحیت پیشنهاد می‌شود؛ که با اصلاحات مذهبی ایجادشده در دوره‌های بعدی، نام مسجد به خود گرفته است.

کلیدواژگان: مراغه، نیایشگاه صخره‌ای، معابد بودایی، کوه‌لوم‌چید.

saeidsattarnejad@yahoo.com

I. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول).

II. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی.

III. دانشجوی کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا.

مقدمه

فضاهای دستکند، گونه خاصی از معماری‌اند که در آن هیچ مصالحی برای تولید فضا استفاده نمی‌شود و با زدودن توده‌های صخره‌ای توسط انسان از بستر کوه و سنگ، فضا تولید می‌شود (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۰). این معماری در هر منطقه به دلایل اقلیمی و شرایط زیست‌محیطی دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی است (محمدی‌فر و همتی‌ازندریانی، ۱۳۹۵: ۹۸). بر همین اساس هر بنای دستکند براساس زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و کالبدی اقلیمی و شرایط خاص آن ناحیه (باصفا و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۸) و مطابق با نیازهای ساکنان شکل می‌گیرد (Emge, 1992: 4). گاهی آثار معماری دستکند و صخره‌ای با جنبه‌های اعتقادی و دینی بشر پیوند عمیق می‌یابد. از علل مهم تمایل انسان در مکاتب مختلف بر معماری صخره‌ای، ساختار دینی و مذهبی جامعه بود که روی آوردن به صخره‌ها و کوهستان‌ها را ایجاد می‌نمود (محمدی‌فر و همتی‌ازندریانی، ۱۳۹۵: ۱۰۲). این مکان‌های قدسی به صورت معابد صخره‌ای و غاری شکل گرفته‌اند (Davies & Jokiniemi, 2008: 316) که نمونه‌های چنین معابد صخره‌ای در منطقه مراغه کشف و شناسایی شده است.

حوضه رودخانه صوفی‌چای شهرستان مراغه علاوه بر دارا بودن بناهای متعدد از دوره‌های مختلف تاریخی، دارای مجموعه‌ای از فضاهای دستکند صخره‌ای واقع در حاشیه رودخانه است. تعدادی از بناهای تاریخی حاشیه این رودخانه در فهرست آثار ملی قرار دارد؛ و این در حالی است که از بین فضاهای صخره‌ای این حوضه، تاکنون مجموعه دستکندهای تپه رصدخانه به شماره ۹۴۷۵ در فهرست آثار ملی ثبت شده است و از دیگر سازه‌های دستکند شهرستان مراغه، انتشارات و گزارش‌های ثبتی زیادی در دست نیست. نوپا بودن مطالعات معماری صخره‌ای در شهرستان مراغه از مهم‌ترین عوامل عدم شناسایی، ثبت و معرفی فضاهای صخره‌ای حوضه رودخانه صوفی‌چای به شمار می‌رود. شناسایی این فضاها در سال ۱۳۹۳ ه.ش. با هدف «مطالعه و بررسی باستان‌شناختی معماری دستکند شهرستان مراغه» در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی (ر.ک. به: ستارنژاد، ۱۳۹۵) انجام شد.

ضرورت و اهداف پژوهش: در این مقاله تلاش شده با استفاده از رویکردهای باستان‌شناسانه پس از معرفی نیایشگاه صخره‌ای روستای قشلاق، به تشریح ماهیت کاربری و گاه‌نگاری آن پرداخته شود.

پرسش و فرضیات پژوهش: این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به دو پرسش بنیادی در رابطه با فضای دستکند صخره‌ای کوه‌لوم‌چید است: (۱). گاه‌نگاری نسبی و زمان شکل‌گیری فضای دستکند چه بوده است؟ (۲). ماهیت نیایشگاه دستکند متعلق به کدام گروه‌های مذهبی است؟ فرضیه‌های مطرح شده در راستای پرسش‌های فوق عبارت‌اند از: کاربری به‌عنوان یکی از فضاهای آیینی-مذهبی پیروان ادیان غیراسلامی ساکن مراغه دوره ایلخانی به خصوص بودایی‌ها و زمان ایجاد آن براساس مبانی گاه‌نگاری نسبی که به صورت تطبیقی انجام می‌گیرد، مربوط به دوره ایلخانی است. شواهد این ادعا در نیایشگاه دستکند صخره‌ای کوه‌لوم‌چید وجود دارد که در راستای انجام پژوهش بررسی شده است.

پیشینه تحقیق

سیف‌الله کامبخش فرد (کامبخش فرد، ۱۳۴۶)، ولفرام کلایس (Kleiss, 1969-1973)، پرویز ورجاوند (Vardjavand, 1975) و وارویک بال (Ball, 1976-1979) جزو نخستین افرادی بودند که به معرفی و پژوهش معماری‌های صخره‌ای مراغه پرداختند. پس از آن افرادی مانند فخرالدین صدرالاسلامی (صدرالاسلامی، ۱۳۷۸)، سعید ستارنژاد (ستارنژاد، ۱۳۹۱) و هوشنگ بابایی (بابایی، ۱۳۹۱) به

معرفی چند اثر صخره‌ای اشاره کرده‌اند؛ بنابراین مطالعات معماری صخره‌ای در شهرستان مراغه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر همین اساس پژوهش‌ها و مطالعات معماری صخره‌ای در مراغه شکل جدی و میدانی به خود نگرفته و شناسایی آثار این منطقه تنها به دو روش تصادفی و مصاحبه‌ای بوده که دارای نواقص و ایراداتی نیز هست. شناسایی فضاهای دستکند روستای قشلاق نیز به صورت مصاحبه‌ای از مردم منطقه توسط نگارنده صورت گرفت؛ بنابراین پیشینه تحقیق در رابطه با این موضوع، صرف این‌که آثار صخره‌ای مذکور تا به حال کمتر شناخته شده و مطالعاتی در رابطه با آن صورت نگرفته است، پیشینه قابل توجهی برای آن نمی‌توان در نظر گرفت.

مبانی نظری و روش تحقیق

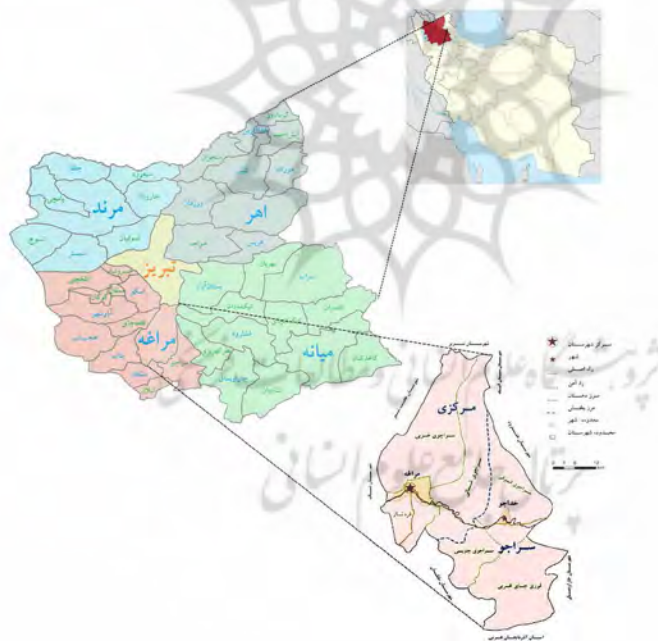
از کاربردی‌ترین رویکردهای مطالعاتی که می‌توان در راستای تحلیل کاربری مجموعه‌های دستکند از آن استفاده کرد، رویکرد باستان‌شناسی فضایی است (باصفا و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۹). این رویکرد علمی، بازیافت اطلاعات تمدن‌های کهن از طریق مطالعه ساختارهای معماری و فضاهای استقراری و شبکه‌های مؤثر درون محیطی و برون محیطی آن‌هاست. از آنجایی‌که این علم با بهره‌گیری از علوم متعدد در سطوح مختلف فضاهای معماری و بافت‌های کهن ادوار مختلف را مطالعه می‌کند، می‌تواند به طور گسترده مورد استفاده متخصصان پیش از تاریخ تا قرون معاصر قرار گیرد (کریمیان و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۰۴). مطالعه فضاهای برج‌مانده سهم به‌سزایی در درک ساختار سیاسی، اداری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع به‌وجود آورنده آن‌ها ایفا می‌کند (کریمیان، ۱۳۸۴: ۱۱۲). بر همین اساس باستان‌شناسی فضایی در گونه‌های مختلف قابلیت پژوهش دارد که یکی بررسی فضاهای یک مجموعه معماری است که پژوهشگر اقدام به گردآوری کلیه شواهد و مدارک موجود در رابطه با کاربری فضاها و موارد استفاده در محیط درونی آن‌ها می‌کند. در این روش پژوهشگر اقدام به آزمایش فرضیات مختلف در رابطه با کاربری فضاها، تطبیق فضاها با نمونه‌های مشابه و مدل‌سازی براساس ابعاد و اندازه‌های موجود و آزمون مدل‌ها در رابطه با فرضیات مطرح شده می‌کند (باصفا و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۹). براساس این مقدمه کوتاه، در پژوهش حاضر تلاش شده با در نظر گرفتن مفهوم فضا در معماری، ابتدا به گردآوری کلیه شواهد و مدارک موجود در رابطه با کاربری فضا در محیط درونی و بیرونی آن مبادرت ورزد که این امر شامل محراب، فرم طاقچه‌های دستکند، نقشه فضا، موقعیت مکانی و بستر اجتماعی، سیاسی و دینی منطقه است. در نهایت با در دست داشتن عناصر فوق و مقایسه آن با نمونه‌های مشابه در ایران و تطبیق با متون تاریخی می‌توان به نتایج مطلوبی رسید. در این پژوهش، در وهله اول سعی خواهد شد با استناد به داده‌های جمع‌آوری و مستندنگاری شده و همچنین اطلاعات کتابخانه‌ای، مجموعه را با رویکردی باستان‌شناسانه و به روش توصیفی-تاریخی معرفی کرده و سپس با روش‌های تحلیلی و تطبیقی به همراه رویکرد باستان‌شناسی فضایی به ارائه گاه‌نگاری نسبی و کاربری آن پرداخته شود.

منطقه مورد مطالعه

شهرستان مراغه در پهنه جغرافیایی شمال غرب ایران در استان آذربایجان شرقی، بر دامنه جنوبی کوه سه‌سهند قرار گرفته است. براساس تقسیمات کشوری، شهرستان مراغه دارای دو بخش مرکزی و سراجو و شش دهستان است. این شهرستان دارای سه رودخانه اصلی با نام‌های صوفی چای، موردی چای و لیلان چای است. رودخانه دایمی صوفی چای که از دامنه‌های جنوبی کوهستان سه‌سهند سرچشمه می‌گیرد، با عنوان شاه‌رگ حیاتی شهر مراغه، نقش کلیدی در توسعه و پیشرفت این شهر دارد. روستاهای این محدوده در تقسیمات سیاسی شهرستان جزء دهستان سراجوی غربی بخش مرکزی محسوب می‌شوند. روستای قشلاق یکی از روستاهای این دهستان است که آثار

صخره‌ای آن جایگاه مهمی در تحولات مذهبی دوره ایلخانی دارد. این روستا در فاصله ۷ کیلومتری شمال شرقی مراغه (مرورید، ۱۳۶۰: ۸۴) و در دهستان سراجوی بخش مرکزی شهرستان مراغه واقع شده است (رزم‌آرا، ۴/۱۳۳۰: ۳۷۵)، (نقشه ۱).

روستای قشلاق در دامنه غربی کوه و به سمت دره‌ای است که رودخانه دائمی صوفی‌چای در بستر آن جریان دارد. در مطالعات و بررسی باستان‌شناختی روستای قشلاق، تنها دو اثر دستکند صخره‌ای کشف و شناسایی گردید، بنابراین روستای قشلاق از پیشینه استقرار چندان برخوردار نبوده و احتمالاً بعد از قرون میانی اسلامی شکل گرفته است. همچنین با توجه به موقعیت جغرافیایی منطقه، به نظر می‌رسد اقتصاد معیشتی مردم روستا در گذشته متکی به فعالیت‌های دامداری بوده است، به طوری که وجه تسمیه روستا از واژه ترکی قشلاق به معنای سردسیر به‌عاریت گرفته شده است، که خود این واژه با شیوه فعالیت دامداران کوچ‌رو ارتباط معنایی دارد. پوشش گیاهی منطقه، شامل درختان نیمه‌متراکم و تنک زالزالک (پیمیشان) است که پراکندگی آن‌ها در تمام منطقه یکسان نبوده و در جاهای مختلف متناسب با میزان ارتفاع و گستردگی باغات مردم متفاوت است. این موقعیت خاص جغرافیایی، بستری مناسب برای کوهنوردی، طبیعت‌گردی و توسعه گردشگری روستایی فراهم کرده است. چشم‌انداز روستا رو به کوه‌های پوشیده از درختان گردو و زالزالک است. عمده‌ترین محصولات کشاورزی منطقه نیز گردو، آلوچه، بادام، زردآلود و سیب است.



نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی و تقسیمات سیاسی شهرستان مراغه (نگارندگان، ۱۳۹۷).

توصیف و معرفی فضای دستکند

نزدیک‌ترین آبادی به این معماری صخره‌ای، روستای قشلاق است که در فاصله ۸۰۰ متری جنوب آن واقع شده است. این اثر صخره‌ای در محدوده شمال این روستا در فاصله ۳۰ متری سمت راست (از مسیر قشلاق به تازه‌کند) جاده آسفالت ارتباطی روستای قشلاق به تازه‌کند قرار دارد. این ناحیه، کوه‌های نسبتاً بلند با دره‌های باز و اقلیم سرد دارد. بستر طبیعی زمین‌های منطقه، عمدتاً سنگلاخی بوده و کوه‌هایی پوشیده از درختان زالزالک قابل مشاهده است. رودخانه دائمی که بستر

آن در فاصله حدود ۵۰ متری از غرب معماری صخره‌ای واقع شده، از مهم‌ترین منابع تأمین‌کننده آب این محدوده است (مروارید، ۱۳۶۰: ۸۴).

معماری صخره‌ای کوه‌لومچید در ارتفاع حدود ۱۶۰۶ متری از سطح دریا و مختصات جغرافیایی ۶۱۲۳۱۵،۱۵ متر شرقی و ۴۱۴۶۲۵۵،۳۶ متر شمالی قرار دارد. فضای دستکند در تراس دامنه شیب غربی کوه ایجاد شده است. دهانه نیایشگاه به سمت غرب و دره‌ای است که رودخانه صوفی‌چای در عمق ۶۰ سانتی‌متری نیایشگاه جریان دارد. فضای دستکند در زبان ترکی مردم محلی کوه‌لومچید نامیده می‌شود. کوهول در زبان ترکی به معنای غار و مچید به معنای مسجد است. نام کوه‌لومچید یا مسجد غاری، نقش کلیدی در شناخت مفهوم این فضای دستکند ارزشمند دارد.

کوه‌لومچید در دامنه غربی کوه قرار دارد. دهانه ورودی آن به سمت غرب بوده و به صورت نیم‌دایره‌ای است که قسمت‌های پاتاق آن به فرم هلال درآمدن است. بعد از دهانه ورودی، یک فضای بیضی‌شکل نامنظم ایجاد شده که بیشترین طول آن در راستای شمالی-جنوبی ۱۳۷ سانتی‌متر و بیشترین عرض آن حدود ۱۰۰ سانتی‌متر است. ارتفاع این قسمت از فضا در حدود ۱۸۰ سانتی‌متر است (ستارنژاد، ۱۳۹۵: ۱۱۳). این فضای بیضی‌شکل نامنظم با عنوان فضای میانی مابین نیایشگاه با محیط بیرون محسوب می‌شود. دیواره‌های این فضا به صورت ابتدایی تراشیده



تصویر ۱. موقعیت ساختار صخره‌ای و دهانه ورودی کوه‌لومچید، دید از غرب (نگارندگان، ۱۳۹۷).

شده و در گوشه دیواره شرقی منتهی به دیواره جنوبی طاقچه‌ای ایجاد شده است. بخش‌هایی از دیواره نیمه غربی پوشش سقف در اثر عوامل مختلف تخریب شده و آنچه باقی مانده، پوشش سقف به صورت تخت بوده که در گوشه‌های منتهی به دیوار به حالت هلال درآمدن است. در سطح دیوار این قسمت از نیایشگاه، آثاری از تراش باقی مانده که از قسمت نازک و تیز ابزار جهت تراش بهره گرفته شده است. در دیواره ضلع شرقی این فضا، دهانه اصلی ورود به داخل نیایشگاه به صورت مستطیلی شکل تعبیه شده است. دهانه به عرض ۷۵ سانتی‌متر و ارتفاع ۱۴۵ سانتی‌متر است که اندکی از دیواره ضلع شمالی آن تخریب شده است (تصویر ۲). در دیواره دهانه، آثاری از محل حفرة‌های کوچک به منظور قراردادن چهارچوب در ایجاد شده است. قسمتی از دهانه و دیواره ضلع غربی نیایشگاه به دلیل وجود رگه طبیعی در بستر صخره‌ای ترک خورده است.



تصویر ۲. دهانه ورودی فضای دستکند (نگارندگان، ۱۳۹۷).

بعد از دهانه ورودی، فضای اصلی نیایشگاه قرار دارد. فضای داخلی نیایشگاه با نقشه چلیپا ایجاد شده که ضلع شرقی به طور کامل تخریب شده است. بیشترین طول داخلی فضا در راستای شمالی-جنوبی ۱۰ متر و عرض آن در راستای شرقی-غربی ۸ متر است. ارتفاع نیایشگاه از قسمت منفذ نورگیر تا کف امروزی ۴ متر است. جهت تراش این اثر دستکند، ابتدا کار تراش از منفذ آغاز گردیده و به تدریج به حجم فضا افزوده شده است. منفذ به ابعاد ۵۰×۵۰ سانتی‌متر به صورت مستطیل ایجاد شده و روشنایی و تهویه هوای داخل فضا را تأمین می‌کند. پوشش سقف فضا در قسمت مرکزی و زیر منفذ به صورت مخروطی بوده که در گوشه‌ها به صورت قوسی ایجاد شده است. در دیواره ضلع شمالی و جنوبی در حد فاصل مابین پوشش مخروطی و قوسی سقف، سه کنجی‌های تزئینی از بستر صخره‌ای تراشیده شده است. پوشش سقف قسمت‌های شمالی و جنوبی متفاوت از پوشش مرکزی فضا است. در این قسمت‌ها پوشش فضا به صورت تخت بوده که در قسمت منتهی به دیواره‌ها اندکی قوس پیدا کرده است. در قسمت فوقانی دیواره فرورفتگی جبهه جنوبی آرایه تزئینی از بستر صخره‌ای به صورت دو خط موازی هم تراشیده شده و بر سطح دیواره آن آثاری از خراش باقی مانده است. همچنین دیواره جنوبی به صورت یک قاب مستطیلی شکل با یک خط نواری دستکند در قسمت فوقانی آن است. همان‌طور که اشاره گردید، فضای داخلی به صورت چلیپا ایجاد شده که

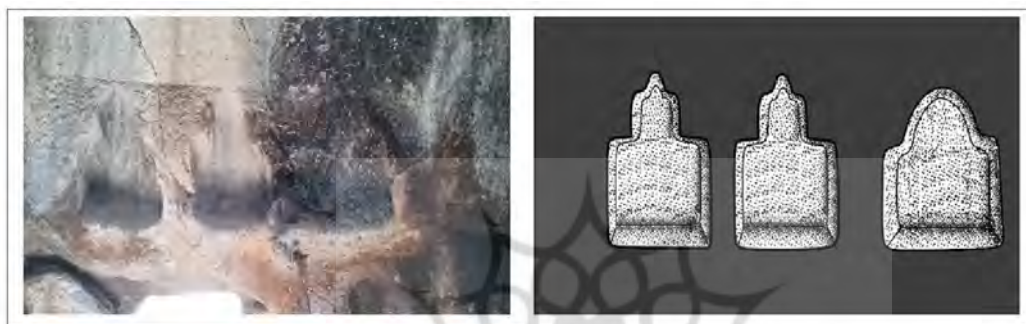
سه ضلع آن تا حدودی سالم باقی مانده و تنها ضلع شرقی به طور کامل تخریب شده و فرم اولیه آن از بین رفته است (تصویر ۳).



تصویر ۳. سمت بالا؛ نمای دیواره غربی کوهلولومچید، پایین؛ نقشه و نمای دیواره غربی کوهلولومچید (نگارندگان، ۱۳۹۷).

فرورفتگی ضلع جنوبی به ابعاد ۲۳۰ در ۱۶۰ سانتی متر بوده که در دیواره ضلع جنوبی آن در دوره متأخر تونلی به طول ۸ متر ایجاد شده است. فرورفتگی شمالی به ابعاد ۲۲۰ در ۲۷۰ سانتی متر و فرورفتگی غربی ۱۵۰ در ۳۲۰ سانتی متر است. پوشش این قسمت از فضا به صورت تخت بوده که در گوشه‌ها اندکی قوس پیدا کرده‌اند. سطح دیواره‌های فضای دستکند با وجود فرسایش زیاد، آثاری از دودزدگی و تراش باقی مانده که در دوره‌های بعدی اقدام به پاکسازی سطح دیواره‌ها از آثار دودزدگی شده است. با این حال در قسمت‌هایی از محراب و طاقچه‌ها حجم دودزدگی بسیار زیاد بوده که از این نظر قابل مقایسه با دیواره‌های کلیسای رصدخانه و امامزاده معصوم و رجوی است. شاخص‌ترین عناصر تزئینی و قابل اتکا جهت تاریخ‌گذاری و کاربری فضای دستکند کوهلولومچید، محراب و سه عدد طاقچه تزئینی دیواره غربی فضا است. طاقچه‌های تزئینی در ارتفاع ۱۵۰ سانتی متر از کف فضا و قسمت پائین ایجاد شده‌اند. این طاقچه‌ها مجاور هم بوده و ابعاد آن‌ها به طور متوسط ۸×۴×۸ سانتی متر است. قسمت فوقانی طاقچه‌ها به صورت شبدری بوده و از نظر فرم کلی شباهت زیادی به فرم محراب‌های برخی از بناهای دوره ایلخانی دارد. طاقچه‌ها

از عمق کمتری برخوردار بوده و از این نظر امکان قرار دادن اشیاء در داخل آن بعید به نظر می‌رسد. بر این اساس به نظر می‌رسد طاقچه‌های مذکور کاربری تزئینی داشته‌اند (تصویر ۴). همچنین در این دیواره یک محراب به ارتفاع ۱ متر و عرض ۴۵ سانتی‌متر در داخل قاب سنگی مستطیل‌شکلی ایجاد شده است. محراب به مرور زمان و عوامل مختلف دچار تخریب شده، با این حال قسمت فوقانی آن همانند طاقچه‌ها به صورت شبدری بوده که در دیواره ضلع شمالی آن یک آخیه (حلقه) قرار دارد. محراب در ارتفاع حدود ۳۰ سانتی‌متری از کف فضا ایجاد شده و سطح آن با لایه‌ای از دودزدگی پوشانده شده است. دیواره داخل محراب آثار تراش ثانویه وجود دارد که باعث تخریب قسمتی از محراب گردیده است. به‌طور کلی محراب به سمت غرب بوده که از این نظر با محراب بناهای اسلامی مغایر است.



تصویر ۴. طاقچه‌های دیواره غربی (نگارنگان، ۱۳۹۷).

به‌طور کلی کوه‌هولو‌مچید در موقعیت مکانی دور از روستا و در دل کوه ایجاد شده است. این فضای نیایشگاهی به سمت دره‌ای است که رودخانه صوفی‌چای در بستر آن جریان دارد. بنابراین به نظر می‌رسد دلیل خاصی در سنجش این مکان جهت برپایی نیایشگاه وجود داشته که شاید با باورهای مذهبی دوره شکل‌گیری نیایشگاه ارتباط داشته باشد. در بررسی محوطه پیرامون نیایشگاه شواهدی اندکی از مواد فرهنگی به خصوص سفال شناسایی گردید، سفالینه‌های شناسایی شده بدون لعاب و ساده بوده‌اند که از این نظر امکان گاه‌نگاری با سفال این فضا چندان مناسب و علمی به نظر نمی‌رسد، همچنین براساس مطالعات مردم‌شناسی پیرامون این فضای دستکند، اطلاعات خاصی کسب نگردید؛ به طوری که مردم صرفاً به این جمله بسنده نموده‌اند: «این محل سابقاً مسجدی بوده است» که مدارک کافی جهت گاه‌نگاری و حتی ماهیت مذهبی این فضای دستکند ارائه نمی‌کند.

ماهیت کاربری فضای دستکند

یکی از فرضیات مورد پذیرش شماری از محققان، پیرامون فضاهای دستکند آیینی-دینی، کاربری آن‌ها با عنوان معابد مهری است. اصولاً ساختار صخره‌ای (غار) نیایشگاه‌های اروپایی، الگوی برخی از پژوهشگران و نویسندگان ایرانی درباره انتساب نیایشگاه‌های صخره‌ای به معابد مهری است؛ اما اینان مدارک قابل قبولی برای انتساب غارهای فوق به مهر، ارائه نکرده‌اند (رهبر، ۱۳۹۲: ۲۹). با این حال نخستین فرضیه پیرامون فضاهای نیایشگاهی دستکند، ارتباط آن‌ها با آیین مهرپرستی و دوره تاریخی ایران است. با فرض پذیرش این کارکرد، تاریخ ایجاد این نیایشگاه دستکند همانند نیایشگاه دستکند قدمگاه شهرستان آذرشهر به دوره اشکانی برمی‌گردد.

(Biscione & Khatibshahidi, 2006: 303). بنابراین جهت تأیید یا رد این کاربری بایستی فضای دستکند مورد بحث را با معابد مهری کشف و شناسایی شده مقایسه نمود. تاکنون در اروپا و آسیای جنوب غربی بیش از چهارصد اثر تاریخی مرتبط با آیین میترائیسم کشف و شناسایی شده (Clauss, 2001: 21) که نقشه این مهرابه‌ها به شکل مستطیل کشیده است (سلطان زاده و آشتیانی، ۱۳۹۰: ۷۴). این میترائیوم‌ها عمدتاً سه بخشی هستند؛ بخش نخست پیش تالار و بخش دوم به صورت یک تالار طویل است و بخش سوم را فضای اصلی جایگاه تشکیل می‌دهد (لباف، ۱۳۹۱: ۱۰۰). همچنین در طرفین راهروی مرکزی نیمکت‌های سنگی طویل وجود دارد (ورمازرن، ۱۳۸۳: ۵۰)؛ بنابراین مقایسه عناصر تزئینی، ساختار و نقشه فضای دستکند، تفاوت‌های آشکاری بین این نیایشگاه با معابد مهری را نشان می‌دهد.

یکی دیگر از فرضیه‌های قابل مطرح پیرامون کاربری این فضا، ارتباط نام جای فضا با مسجد است. اصولاً نام فضای دستکند اشاره به مسجد صخره‌ای دارد. در زبان ترکی واژه «کوهول» به معنای غار بوده و «مچید» شکل تغییر یافته مسجد است. مسجد به طور قطع بنای مذهبی اصلی اسلام است که از بین کارکردهای متعدد آن، والاتر از همه کارکرد عبادت جمعی آن است (هیلن براند، ۱۳۸۰: ۳۱). با توسعه گسترده تمدن اسلامی، مسجد جای خود را به عنوان نماد اسلام در سراسر بلاد اسلامی باز کرد، به طوری که در هر شهر و روستا مسجدی وجود داشت. در روستاهای دستکند، مساجد صخره‌ای شاخص‌ترین عناصر در گونه معماری آیینی هستند. برخی از نمونه‌های جالب توجه مساجد صخره‌ای عبارت‌اند از: مسجد صخره‌ای داراب، مسجد صخره‌ای ایج، چراغیل، مجارشین، کندوان و مسجد سنگی مزار. حضور این مساجد صخره‌ای در داخل بافت روستا و هم‌جواری نزدیک با منازل روستاییان، از جمله ویژگی‌های این مساجد بوده که برخی از آن‌ها به هر شکل و با افزودن الحاقات و تعمیرات با مصالح جدید تا به امروز به حیات خود ادامه داده‌اند (رازانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۰).

مقایسه موقعیت مکانی، عناصر معماری و ساختار کلی نیایشگاه صخره‌ای قشلاق تفاوت‌های اساسی این فضای دستکند با مساجد را نشان می‌دهد. نخست در معماری اسلامی، مساجد بایستی در داخل بافت مسکونی (شهر و روستا) باشد تا به راحتی امکان برپایی نماز فراهم گردد، به طوری که اغلب مساجد در مرکز شهرها، نزدیک بازارها و محدوده دارالحکومه ساخته می‌شدند (کیانی، ۱۳۹۱: ۸). این در حالی است که نیایشگاه کوهولومچید در خارج از محدوده روستا ایجاد شده که از این نظر امکان استفاده آسان برای برپایی نماز به خصوص در ایام سرد و برفی سال با دشواری‌های خاص همراه بوده که از نظر موقعیت مکانی مغایر با مکان‌گزینی مسجد است. از طرفی مساجد اسلامی، دارای عناصر معماری خاص از جمله داشتن منبر، محراب، گلدسته و غیره است که در بناهای مذهبی، به ویژه مساجد، محراب اصلی‌ترین رکن را تشکیل می‌دهد. محراب در ابتدا برای نشان دادن جهت قبله برای اقامه نماز به وجود آمد و به یکی از عناصر اصلی معماری مذهبی ایران تبدیل شد (سجادی، ۱۳۷۵: ۲۵)؛ بنابراین در مساجد محراب در دیواره سمت جنوبی (قبله) تعبیه می‌شود که در این فضای نیایشگاهی محراب در دیواره غربی نیایشگاه ایجاد شده است و از این نظر قابل مقایسه با معبد بودایی امامزاده معصوم ورجوی است (Ball, 1976). همچنین مساجد صخره‌ای دامنه کوهستان سهند دارای محل‌های منفک مردان و زنان است (رازانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۰). نمونه چنین فضاهای خاص زنان را در مسجد سنگی موسوم به «دش‌مچید» روستای صومعه‌آشان شهرستان مراغه می‌توان مشاهده کرد (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۷). در هر صورت بنا بر آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد که نیایشگاه دستکند قشلاق، نیایشگاهی متفاوت از یک مسجد و معبد مهری باشد.

رهیافت تاریخ معماری نیایشگاه دستکند

در بررسی آثار دستکند، پی‌بردن به زمان ایجاد و دوره‌های زمانی استفاده از آن‌ها، از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. تعیین زمان اولیه ایجاد مجموعه‌ها جز در مواردی که کتیبه یا نوشته همراه داشته باشد، عملاً مقدور نیست، اما می‌توان دوره‌های زمانی استفاده از این آثار را با استفاده از شیوه‌های مختلف به‌طور تقریبی تشخیص داد، از آن جمله کاوش‌های باستان‌شناختی، شواهد معماری (نوع پوشش‌ها سقف فضاها، تزیینات معماری)، (محمدی‌فروهمتی‌زندریانی، ۱۳۹۵: ۱۰۹). باتوجه به اینکه در این فضای دستکند و محوطه پیرامون آن، کاوش باستان‌شناختی صورت نگرفته، بنابراین تنها مدارک قابل‌تکا جهت تاریخ‌گذاری کوهلولومچید، بررسی شواهد معماری و مطالعه فضای دستکند در یک موقعیت مکانی، فرهنگی، تاریخی و اجتماعی معین، یعنی مکانی شهرستان مراغه و روستای قشلاق و همچنین موقعیت و بستر نیایشگاه صخره‌ای، با بناهایی از دوره‌های مختلف فرهنگی است. از آن‌رو که در حوضه رودخانه صوفی‌چای بناهایی با کاربری آیین-دینی، متعلق به دوره ایلخانی وجود دارد، نیایشگاه صخره‌ای قشلاق احتمالاً در این دوره ایجاد شده است. شواهد موجود شامل نقشه فضا بوده که قابل مقایسه با معبد بودایی داش‌کسن (Scarcia, 1975)، مسجد صخره‌ای داراب (Bier, 1986: 119) و بناهای چهارایوانی است. محراب این نیایشگاه نیز از نظر ساختار قابل مقایسه با محراب صخره‌ای داش‌مچید روستای صومعه‌آشان (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۷)، محراب امامزاده معصوم ورجوی (Ball, 1979)، محراب معبد بودایی داش‌کسن زنجان (Scarcia, 1975)، محراب مسجد سنگی داراب و ایچ (Bier, 1986)، محراب رصدخانه مراغه (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۷) است. همچنین محراب و طاقچه‌های کوهلولومچید از نظر فرم ظاهری که قسمت فوقانی آن به صورت سه شبدری است با محراب و نقول‌های تزئینی ورودی سردر بنای کاروانسرای آلاکی مرند، سنگ‌قبرهای گورستان شادآباد تبریز و گورستان النجق مرند (مرادی و عمرانی، ۱۳۹۳: ۶۱)، محراب مسجد جامع ارومیه (قوچانی، ۱۳۹۵: ۴۴)، محراب مسجد جامع مرند (عزیزان، ۱۳۸۷: ۲۹۸)، سنگ قبر با نقش محراب مسجد کبود (رحیم‌لو، ۱۳۷۲: ۲۵۰) تزیینات اجرکاری طبقه اول گنبد سلطانیه (کلانتری، ۱۳۹۰: ۲۳۵) قابل مقایسه است (جدول ۱) که تمامی این آثار و بناهای فوق‌الذکر در دوره ایلخانی ایجاد شده‌اند. بنابراین نیایشگاه کوهلولومچید نمی‌تواند قبل از دوره ایلخانی باشد.

مسلماً از فضاهای دستکند در دوره‌های قبل از ایلخانی در شهرستان مراغه باعنوان فضاهای تدفینی (Kleiss, 1973)، فضاهای استحفاظی و آب‌انبار استفاده می‌شده است (ر. ک. به: ستارنژاد، ۱۳۹۵)، به طوری که در منطقه مراغه قبل از ایلخانی هیچ شواهدی از نیایشگاه‌های صخره‌ای گزارش نشده است. از طرفی مصالح مورد استفاده در بناهای مذهبی دوره سلجوقی شهرستان مراغه، آجر و قطعات برش‌خورده و منظم سنگ در ابعاد مختلف و ملات ساروج است. بنابراین اگر نیاز به ساخت مسجد یا بناهای مشابه در دوره قبل از ایلخانی و حتی بعد از آن بود، قطعاً در داخل بافت روستا و از مصالحی که برای دیگر بناها به کار رفته بود استفاده می‌کردند. بنابراین ساختار صخره‌ای و ماهیت نیایشگاهی این فضا که با برش صخره‌ای ایجاد شده است، از این نظر شباهت زیادی به نیایشگاه‌های دستکند دوره ایلخانی منطقه از جمله کلیسای صخره‌ای رصدخانه مراغه (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۷)، معبد بودایی امامزاده معصوم ورجوی (Ball, 1979) و داش‌مچید روستای صومعه‌آشان (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۷) دارد. نیایشگاه‌های دستکند تپه رصدخانه و امامزاده معصوم ورجوی قدیمی‌ترین بناهای نیایشگاه‌های شهرستان مراغه محسوب می‌شوند که نه از مصالح دوره سلجوقی و نه بعد از ایلخانی مانند تیموری و صفوی بهره‌نگرفته‌اند؛ بلکه با تراش صخره و ایجاد فضا در داخل آن ایجاد شده‌اند. این نیایشگاه‌ها قطعاً با فضای دستکند کوهلولومچید، غیرمرتبط نبوده و در یک برهه زمانی شکل گرفته‌اند.

جدول ۱. تشابه فرم و ساختار محراب و طاقچه‌های کوهلولومچید با آثار و بناهای دوره ایلخانی (نگارندگان، ۱۳۹۷).

				
کاروانسرای آلاکی (مرادی و عمرانی، ۱۳۹۳: ۶۱)	محراب داش مچید (نگارنده)	تزیینات آجرکاری طبقه اول گنبد سلطانیه (کلانتری، ۱۳۹۰: ۲۳۵)	طاقچه‌های کوهلولومچید (نگارنده)	محراب کوهلولومچید (نگارنده)
				
سنگ قبر با نقش محراب مسجد کبود (رحیم‌لو، ۱۳۷۲: ۲۵۰)	محراب مسجد جامع مرند (عزیزان، ۱۳۸۷: ۲۹۸)	محراب مسجد جامع ارومیه (قوچانی، ۱۳۹۵: ۴۴)	سنگ قبر گورستان شادآباد تبریز (مرادی و عمرانی، ۱۳۹۳: ۶۱)	سنگ قبر گورستان النجق (مرادی و عمرانی، ۱۳۹۳: ۶۱)

بحث و تحلیل

براساس آنچه در متن مقاله اشاره شد، بهترین دوره زمان شکل‌گیری این نیایشگاه دستکند مربوط به دوره اسلامی و پایتختی شهر مراغه در زمان حکمرانی هولاکوخان است. در عصر ایلخانی شهر مراغه بستر تحولات مذهبی بوده و پیروان ادیان همچون مسیحیت (رشیداوو، ۱۳۶۸: ۱۹۰) و بودایی (Morgan, 2015: 66) برای خود صاحب نیایشگاه و فضاهایی آیینی بوده‌اند، به طوری که با مطالعه منابع تاریخی، شاهد قدرت‌یابی و گسترش معابد ادیان غیراسلامی هستیم. در این دوره مسیحیان و پیروان بودا اکثریت داشتند و مسلمانان در اقلیت بودند؛ به طوری که سیمون با اختیارات تامی که از قآن دریافت کرده بود، حتی دستور داد تا در شهرهایی که سکنه آن مسلمانان متعصب بودند چون تبریز، نخجوان (اشپولر، ۱۳۶۸: ۲۰۹) و مراغه به دست بارهبرایوس (ابوالفرج یوحنا بن عبری) کلیسایی ساخته شود (Daryaey, 2011: 255). همچنین در این دوره گروهی از مغولان به دین بودایی گرایش داشتند و معابد بودایی در سراسر ایران پراکنده بوده است (اشپولر، ۱۳۶۸: ۱۸۷). هلاکو دستور ساخت بت‌خانه‌هایی را در خوی داد (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۳۱/۳: ۷۳۴)، که این تمایل به دین بودا زمینه مناسبی برای گسترش این آیین را در ایران فراهم کرد؛ به طوری که در اندک زمانی سیل کارگزاران مشاوران و راهبان بودایی از چین، تبت، سرزمین آیغور و حتی هند به ایران سرازیر شد. نفوذ این دین در غرب ایران جلوه بیشتری پیدا کرد و مراغه، خوی و آران، مکان‌های مناسب برای معابد و بتکده‌های آن‌ها گردید (بیانی، ۱۳۷۱: ۳۷۵). بوداییان در سراسر قلمرو ایلخانی بتکده‌های بودایی برپا کردند و به اجرای آیین مذهبی خویش پرداختند. برای ساخت این بتکده‌ها، هلاکو از خزانه، اموال زیادی در اختیار آنان قرار داد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۹)؛ بنابراین سنجش موقعیت مکانی این نیایشگاه با مساجد نشانگر تفاوت اساسی این

فضای دستکند با مساجد را دارد. همچنین وجود محراب در دیواره غربی که شباهت بسیاری با محراب معبد بودایی امامزاده معصوم دارد، خود گواهی بر ماهیت کاربری غیراسلامی این نیایشگاه است. از طرفی در سطح دیواره‌های داخل کوهلولومچید شواهدی از دودزدگی ناشی از آتش‌سوزی دیده می‌شود که بیانگر تغییرات مذهبی در دوره ایلخانی است. در دوره ایلخانی به خصوص زمان غازان خان، دین بودا یک‌باره ریشه‌کن شد و معابد بودایی چپاول و ویران شدند و یا به شکل مسجد درآمدند (اشپولر، ۱۳۶۸: ۱۹۲)، بنابراین نیایشگاه کوهلولومچید همانند نیایشگاه مسیحیان آشوری تپه رصدخانه و معبد امامزاده معصوم در جریان اصلاحات دینی غازان خان دچار آتش‌سوزی گردید و ماهیت کاربری آن به صورت مسجد تغییر پیدا نمود.

نتیجه‌گیری

باتوجه به ساختار و عناصر معماری صخره‌ای کوهلولومچید، به نظر می‌رسد این مجموعه به منظوری خاص برپا شده است. ایجاد محراب، پوشش گنبدی شکل، طاقچه‌های تزئینی و وجه تسمیه ساختار صخره‌ای، همگی تداعی‌کننده کاربری آیینی-مذهبی اثر صخره‌ای است. این ساختار صخره‌ای به لحاظ موقعیت مکانی، چشم‌انداز محیطی، جهت محراب و شکل ظاهری طاقچه‌ها با نیایشگاه‌های ادیان و مذاهب غیراسلامی به خصوص بودایی قابل مقایسه است. بر همین اساس نیایشگاه صخره‌ای مذکور با عنوان یکی از فضا‌های آیینی-دینی ادیان مسیحی یا بودایی دوره ایلخانی ایجاد شده که در این بین، فرضیه بتکده بودن فضا بیشتر مشهود است. بنابراین در دوره ایلخانیان (پایتختی مراغه و شکل‌گیری مجموعه علمی رصدخانه)، سیاست تسامح و حمایت خانان ایلخانی از مسیحیان و بودایی‌ها، باعث شکل‌گیری نیایشگاه‌هایی برای این مذاهب و ادیان در دل صخره‌های شهرستان مراغه شد. اما اصلاحات دوره غازان خان که مبتنی بر ویرانی معابد بودایی و مسیحی بود، باعث به آتش کشیدن این نیایشگاه و تغییر کاربری آن با عنوان مسجد گردید که باتوجه به موقعیت مکانی آن، به نظر می‌رسد چندان مورد استفاده قرار نگرفته و تنها واژه مسجد را در خود حفظ نموده است.

نتیجه‌ای که از این پژوهش حاصل شده است، تنها حاصل شواهد بصری موجود در ساختار صخره‌ای، تحلیل فضایی با استناد به موقعیت و نحوه دسترسی به نیایشگاه و همچنین ساختارهای موجود در داخل نیایشگاه بالاخص جهت محراب، فرم طاقچه و سیاهی و دودزدگی‌های موجود در سطح دیوارهاست؛ بنابراین برای اثبات فرضیات مطرح شده و به دست آوردن تاریخ‌گذاری دقیق-تر نیاز به مطالعات و بررسی‌های باستان‌شناختی در منطقه مورد بحث است.

سپاسگزاری

در پایان بر خود لازم می‌دانیم از راهنمایی‌های ارزنده دوست عزیزمان جناب آقای حسین ناصری در شناسایی این آثار صمیمانه سپاس‌گزاری نماییم.

کتابنامه

- اشپولر، برتولد (۱۳۶۸). *تاریخ مغول در ایران*. ترجمه محمود میرآفتاب، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- بابایی‌کهن، هوشنگ (۱۳۹۱). «کبوترخانه‌های جنوب سهند». *مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای سهند - خداجو*. به‌کوشش: مهران بهارتاش، دانشگاه پیام‌نور واحد خداجو، قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- باصفا، حسن؛ داوری، محمدصادق و رضایی، محمدحسین (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل کاربری

فضاهای دستکند حاشیة آبگرم ورتون استان اصفهان». مجله باغ نظر. سال ۱۴. شماره ۵۲. صص: ۴۸ - ۳۷.

- بیانی، شیرین (۱۳۷۱). *دین و دولت در ایران عهد مغول*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- رازانی، مهدی؛ امامی، سیدمحمدامین و باغبان، علیرضا (۱۳۹۵). «طبقه‌بندی و تحلیل کاربرد معماری صخره‌ای در دامنه کوه آتش فشانی سهند در شمال غرب ایران». *پژوهش‌های ایران‌شناسی*. سال شش. شماره دوم. صص: ۶۰-۴۱.
- رحیم‌لو، یوسف (۱۳۷۲). *سنگ‌نوشته‌های آذربایجان*. طرح پژوهشی دانشگاه تبریز: اداره کل امور پژوهش استان آذربایجان شرقی.
- رزم‌آرا، حسین‌علی (۱۳۳۰). *فرهنگ جغرافیایی ایران*. تهران: نشر ستاد ارتش.
- رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۷۳). *جامع‌التواریخ*. ج ۲. به‌کوشش: بهمن کریمی، تهران: انتشارات اقبال.
- رشیداوو، پی‌نن (۱۳۶۸). *سقوط بغداد و حکمروایی مغولان در عراق*. ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: انتشارات قدس رضوی.

- رهبر، مهدی (۱۳۹۲). «معماری معابد مهری در ایران». *مجله کندوکاو*. شماره ۸، سال ۵. صص: ۴۱ - ۲۸.
- ستارنژاد، سعید (۱۳۹۱). «مطالعه و بررسی تعدادی غار دستکند در مراغه». *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان*. به‌کوشش: محمدحسین عزیزی خرائقی، تهران: سمیرا.
- ستارنژاد، سعید (۱۳۹۵). «مطالعه و بررسی باستان‌شناختی معماری دستکند شهرستان مراغه». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی (منتشرنشده).
- ستارنژاد، سعید؛ شهبازی شیران، حبیب؛ و معروفی‌اقدم، اسماعیل (۱۳۹۷). «بررسی و تحلیل ماهیت کاربردی معماری صخره‌ای تپه رصدخانه مراغه». *پژوهش‌های ایران‌شناسی*. سال ۷. شماره ۲. صص: ۹۲-۷۵.
- سجادی، علی (۱۳۷۲). «سیر تحول محراب در معماری اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس (منتشرنشده).
- سلطان‌زاده، حسین؛ و رضائی‌آشتیانی، سیما (۱۳۹۰). *ساختار فضایی معماری مهرابه‌های اروپا*. مجله نقش جهان. شماره ۱، صص: ۸۱ - ۵۳.
- صالحی، کورش؛ مرسلپور، محسن؛ و کول‌آبادی، فاطمه (۱۳۹۳). «جایگاه بوداییان در ساختار حکومت ایلخانی». *مجله پژوهش‌های ایران‌شناسی*. سال ۴. شماره ۱. صص: ۹۲-۷۷.
- صدرالاسلامی، فخرالدین (۱۳۸۷). *زیبایی‌های مراغه و عجب‌شیر*. تهران: اوحدی.
- عزیزیان، حسن (۱۳۷۸). *تاریخ مرند*. مشهد: انتشارات گوهر.
- قوچانی، عبدالله (۱۳۹۵). «بررسی کتیبه‌های برج سه‌گنبد و مسجد جامع ارومیه». *مجله اثر*. شماره ۷۵، صص: ۴۸-۳۹.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله (۱۳۷۳). «بررسی‌های باستان‌شناسی آذرشهر و مراغه در سال ۱۳۴۶، حرفی دیگر درباره ساختمان چند خانقاه و مسجد». *مجله میراث‌فرهنگی*. شماره ۱۲.
- کریمی‌ان، حسن (۱۳۸۴). «ضرورت بهره‌گیری از تئوری‌های جدید در تحلیل ساختار فضایی بافت‌های کهن». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران*. دوره ۶. شماره ۱۷۲. صص: ۱۲۱-۱۱۱.
- کریمی‌ان، حسن؛ و احمدی، عباسعلی (۱۳۹۴). «باستان‌شناسی فضایی رویکردی علمی در مطالعه و تحلیل آثار معماری فضاهای شهری و بافت‌های کهن». *مطالعات باستان‌شناسی*. دوره

۷. شماره ۲. صص: ۱۱۶-۱۰۳.
- کلانتری، مهدیه (۱۳۹۰). «بررسی و طبقه‌بندی کتیبه‌های گچبری دوره ایلخانی از دیدگاه گرافیک». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته گرافیک، دانشگاه الزهرا (منتشر نشده).
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۹۱). «تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی». تهران: سمت.
- لباف‌خانیک، میثم (۱۳۹۱). «تحلیل تطبیقی یک فرم خاص در معماری دست‌کند». مجله اثر. شماره ۵۸، صص: ۱۰۸-۹۴.
- محمدی‌فر، یعقوب؛ و همتی‌ازندریانی، اسماعیل (۱۳۹۵). «مطالعه و بررسی معماری دست‌کند ایران». مسکن و محیط روستا. شماره ۱۵۶. صص: ۱۱۰-۹۷.
- مرادی، امین و عمرانی، بهروز (۱۳۹۳). «بازشناسی تاریخی و تزئینات کاروانسرای آلاکی». باغ نظر. شماره ۲۸. سال ۱۱. صص: ۱۴-۳.
- مروارید، یونس (۱۳۶۰). *افرازه رود*. تهران: انتشارات اوحدی.
- هیلن‌براند، رابرت (۱۳۸۰). *معماری اسلامی*. ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: انتشارات روزنه.
- ورمازرن، مارتن (۱۳۸۳). *آیین میترا*. ترجمه بزرگ نادرزاده، تهران: انتشارات نشر چشمه.
- Ball, Warwick. (1976). *Two aspects of Iranian Buddhism*. Bulletin of The Asia Institute.
- Bier, L. (1986). "The Masjid-i Sang near Dārāb and the Mosque of Shahr-i Īj: Rock-Cut Architecture of the Il-Khanid Period". *Iran*, Vol. 24, pp. 117-130.
- Biscione R. & Khatib Shahidi, H. (2007). "Iranian – Italian, archaeological survey in Eastern Azerbaijan". *Provisional report on the 2006 -1385*. Field Season, Tehran, vol I, PP 25-34.
- Vardjavand, P, 1975, "The Imamzade Ma'sum Varjuvi near Maragha, East and West 25:pp 435-438
- Clauss, M. (2001), *The Roman Cult of Mithras: The God and His Mysteries*. Translated by: Richard.
- Daryae, T. (2011). *The Oxford Handbook of Iranian History*. Oxford University Press.
- Davies, N & Erkki, J. (2008). *Dictionary of Architecture and Building Construction*. Architectural Press.
- Emge, A. (1992). "Old Order in New Space: Change in the Troglodytes Life in Cappadocia". *Traditional Dwellings and Settlements Working Paper Series*, 37. pp: 1-13.
- Kleiss, W. (1969). "Berich Uber zwei Erkundungsfahrten in Nordwest – Iran". *Archaeologische Mitteilungen Aus Iran*, 1-54.
- Kleiss, W. (1973). "Planaufnahmen Urartaischer Burgen In Iranisch Azarbaidjan Im Jahre 1972", *Archologische Mitteilungen Aus Iran*, Neue Folg e6, Pp 7-80.
- Morgan, D. (2015). *Medieval Persian 1040-1797 (A History of the Near East)*. 2 editions, Routledge.

- Scarcia, G. (1975). "Vihar of Qonqor olong Preliminary Report". *East and West*. Vol. 25, No. pp. 99-104.
- Vardjavand, P. (1975). "The Imamzade Ma'sum Varjuvi near Maragha". *East and West* 25:pp 435-438.

